



نشر سنگلج

زن در قصه‌های عامیانه

بازنمایی زن در قصه‌های مکتب‌خانه‌ای دوره قاجار

فهمیه حسین زاوه



به نام خداوند جان آفرین
حکیم سخن در زبان آفرین

-
- سرشناسه : حسین زاوه، فهیمه، ۱۳۵۷-
 عنوان و نام پدیدآور : زن در قصه‌های عامیانه: بازنمایی زن در قصه‌های مکتب‌خانه‌ای قاجار / فهیمه حسین زاوه.
 مشخصات نشر : تهران، سنگلج قلم، ۱۴۰۲.
 مشخصات ظاهری : ۲۲۶ ص.
 فروست : نشر سنگلج؛ شماره انتشار ۱۸.
 شابک : 978-622-93202-7-3
 وضعیت فهرست‌نویسی : فیبا
 عنوان دیگر : بازنمایی زن در قصه‌های مکتب‌خانه‌ای قاجار.
 موضوع : داستان‌های فارسی - تاریخ و نقد
 Persian fiction - History and criticism:
 زنان در ادبیات
 Women in literature:
 افسانه‌ها و قصه‌های ایرانی - تاریخ و نقد
 Legends- Iran- History & criticism:
 ایران - تاریخ - قاجاریان، ۱۳۴۴-۱۱۹۳ق. - داستان
 موضوع : Iran - History - Qajars, 1779-1925 - Fiction:
 رده‌بندی کنگره : PIR2۸۴۹:
 رده‌بندی دیویی : ۸۴۳/۰۰۹
 شماره کتابشناسی ملی : ۹۲۳۵۰۶۳
 اطلاعات رکورد کتابشناسی : فیبا
-

زن در قصه‌های عامیانه

«بازنمایی زن در قصه‌های مکتب‌خانه‌ای قاجار»

فهریمه حسین‌زاوه



نشرستلج

تهران

۱۴۰۲



نشر سنگلج

زن در قصه‌های عامیانه
«بازنمایی زن در قصه‌های مکتب‌خانه‌ای قاجار»
فهیمة حسین زاوه

صفحه‌آرا: محمود خانی

طراح جلد و لوگوی نشر: محسن پیشدادی

حروف‌چینی: نشر سنگلج

شماره انتشار: ۱۸

چاپ اول: ۱۴۰۲

شمارگان: ۳۰۰ نسخه

بها: ۲۲۰,۰۰۰ تومان

شابک: 978-622-93202-7-3

انتشارات و توزیع:

تهران، خیابان سپهبد قرنی، خیابان شهید شاهپور آذرفر، پلاک ۶، طبقه دوم؛ تلفن: ۸۸۸۳۱۳۸۸

sanglaj.pub@yahoo.com

sanglaj.pub@gmail.com

حق چاپ برای نشر سنگلج محفوظ است؛ هرگونه کپی برداری و چاپ به صورت لوح فشرده

و یا نشر در صفحات مجازی، پیگرد قانونی دارد.

تقدیم به

روان آرام «بی‌بی» و «مادر جان» که شهرزاد شیرین‌ترین قصه‌هایم بودند

و بیش‌کس به مادرم

که «مردسالاری» اش یکی از انگیزه‌هایم برای ورود به این پژوهش بود؛

جانم نثارش که جان و توانم از اوست

و دستان سبز پدرم را می‌بوسم که سزاوار سالاری و ستایش است.

و شکیبایی و استواری تمام زنانی را که در گذار از گذار تاریخ،

قامت برافراختند پاس می‌دارم.

فهرست مطالب

مقدمه.....	۱۳
پیش‌گفتار.....	۱۷
ساختار کتاب.....	۱۹
۱. مقدمه.....	۲۱
نظام اصطلاحی.....	۳۱
۲. نقش اقتصادی زن در قصه‌ها.....	۳۹
۱-۲. ملاحظات مقدماتی.....	۳۹
۲-۲. بازنمایی نقش اقتصادی زن از نظرگاه راویان قصه.....	۴۰
۱-۲-۲. دایگی.....	۴۷
۲-۲-۲. کنیزی.....	۵۰
۳-۲-۲. دلالگی.....	۵۳
۱-۴-۲-۲. دلالة خواستگاری.....	۵۴
۲-۴-۲-۲. دلال محبت.....	۵۵
۳-۴-۲-۲. کارهای دیگر دلالان.....	۵۶
۴-۲-۲. جادوگری.....	۵۷
۵-۲-۲. فعالیت‌های اقتصادی دیگر زنان در قصه‌ها.....	۶۰
جدول راه‌های کسب درآمد توسط زنان و مردان در متن قصه‌ها با توجه به پایگاه اجتماعی ...	۶۱
جدول نقش اقتصادی زن.....	۶۱

۳. نقش سیاسی زن در قصه‌ها ۶۵
- ۱-۳. ملاحظات مقدماتی ۶۵
- ۲-۳. قدرت تصمیم‌گیری زن ۶۷
- جدول قدرت‌نمایی و فعالیت در وادی عشق و ازدواج بر اساس متغیر جنس ۶۹
- ۳-۳. تدبیر (مکر) زن، جلوه‌ای از سیاست ۷۲
- ۱-۳-۳. قصه‌های مکر زن ۷۴
- ۲-۳-۳. زن فریب‌کار پیروز ۷۴
- جدول فراوانی فریب‌دهنده و فریب‌خورنده ۷۶
- ۳-۳-۳. دلایل ابراز مکر ۷۶
- جدول دلایل ابراز مکر از سوی زن ۷۸
- ۴-۳-۳. مکر یکی از ابزار جادو ۷۹
- ۵-۳-۳. مکارگی؛ صفتی زنانه ۸۱
- ۶-۳-۳. حوزه عمل مکر ۸۳
- ۷-۳-۳. هوشمندی زنانه، سیاستی موفق ۸۴
- ۴-۳. زن عیار و فرمان‌روا ۸۵
- جدول نقش سیاسی زن ۸۶
۴. نقش حقوقی زن (در نهاد خانواده) در قصه‌ها ۸۹
- ۱-۴. ملاحظات مقدماتی ۸۹
- ۲-۴. خانواده و ازدواج در عصر قاجار ۹۰
- ۳-۴. خانواده در قصه‌ها ۹۲
- ۴-۴. ازدواج در قصه‌ها ۹۳
- ۱-۴-۴. کودک‌همسری و کودک‌مادری ۹۳
- ۲-۴-۴. زن، منفعل در انتخاب همسر (ازدواج اجباری) ۹۳
- ۳-۴-۴. بند باکرگی ۹۵
- ۵-۴. زن در نقش فرزندی ۹۸
- ۶-۴. زن در نقش همسری ۱۰۱
- ۷-۴. زن در نقش مادری ۱۰۳
- ۱-۷-۴. زن زایا و زن نازا ۱۰۴

۱۰۷	۲-۷-۴. مادرِ غایب
۱۰۹	۳-۷-۴. مادرِ محترم
۱۱۰	۴-۷-۴. مادرِ نامحترم (تحقیر و تهدیدشده)
۱۱۰	۵-۷-۴. مادرِ ایام
۱۱۲	۸-۴. زن در نقش خویشاوندی (خواهر، مادرزن و مادرشوهر)
۱۱۲	جدول نقش خویشاوندی
۱۱۳	جدول نقش زن در نهاد خانواده
۱۱۵	۵. نقش زن در نظام آموزشی در قصه‌ها
۱۱۵	۱-۵. وضعیت سواد زن در عصر قاجار
۱۱۸	۲-۵. زن و سوادآموزی در قصه‌ها
۱۱۹	جدول نقش زن در نظام آموزشی
۱۲۱	۶. نقش فرهنگی زن در قصه‌ها
۱۲۱	۱-۶. ملاحظات مقدماتی
۱۲۴	۲-۶. خشونت علیه زن؛ هنجاری فرهنگی
۱۲۵	۱-۲-۶. خشونت روانی و کلامی
۱۲۷	۱-۱-۲-۶. الگوهای نامگذاری نوعی اعمال خشونت
۱۲۸	جدول نام قصه بر اساس جنسیت قهرمان
۱۳۴	جدول فراوانی نام خاص زنان با محوریت موضوع داستان‌ها
۱۳۴	۲-۲-۶. خشونت رفتاری
۱۳۶	۳-۲-۶. حجاب و پوشش زن
۱۴۰	۶-۳. رسم‌ها
۱۴۰	۱-۳-۶. رسم خواستگاری
۱۴۳	۲-۳-۶. نقش زنان در مراسم ازدواج
۱۴۵	۳-۳-۶. زنان و خرافات
۱۴۷	جدول نقش فرهنگی زن
۱۴۹	۷. تحلیل نگاره‌های قصه
۱۵۱	۱-۷. فراوانی حضور زن در نگاره‌ها

- ۱۵۱ فراوانی تصویر زن در قصه‌های عاشقانه.
- ۱۵۱ فراوانی تصویر زن در قصه‌های عیاری.
- ۱۵۲ فراوانی تصویر زنان در قصه‌های اجتماعی تعلیمی با محوریت زن.
- ۱۵۲ ۷-۲. پوشش زنان در نگاره‌ها.
- ۱۵۳ ۷-۳. جای گذاری زنان در نگاره‌ها.
- ۱۵۵ ۷-۴. نگاه شهوانی به زن در نگاره‌ها.
- ۱۵۶ ۷-۵. نگاره‌ها.
- ۱۷۳ نتیجه‌گیری.
- ۱۸۰ جدول نقش اجتماعی و فرهنگی زنان در قصه‌ها.
- ۱۸۳ خلاصه داستان‌ها.
- ۱۸۳ ۱. بهرام و گل اندام.
- ۱۸۴ ۲. توبه نصوح.
- ۱۸۴ ۳. جبرئیل جولا.
- ۱۸۵ ۴. جواهرالعقول (سی قصه دارد که در برخی قصه‌ها زن حضور دارد).
- ۱۸۷ ۵. چهاردرویش.
- ۱۸۸ ۶. چهل طوطی.
- ۱۸۸ ۷. حسنین.
- ۱۸۹ ۸. حسین کرد شبستری.
- ۱۸۹ ۹. حیدریگ.
- ۱۹۰ ۱۰. خاله سوسکه.
- ۱۹۰ ۱۱. خاله قورباغه.
- ۱۹۰ ۱۲. خاور و باختر.
- ۱۹۲ ۱۳. خاورنامه.
- ۱۹۳ ۱۴. خسرو دیوزاد.
- ۱۹۳ ۱۵. دزد و قاضی.
- ۱۹۴ ۱۶. دله و مختار.
- ۱۹۴ ۱۷. رند و زاهد.

۱۸.	چارپری.....	۱۹۴
۱۹.	سلطان جمجمه.....	۱۹۵
۲۰.	سلیم جواهری.....	۱۹۶
۲۱.	شاهزاده شیرویه.....	۱۹۷
۲۲.	شاهزاده هرمز.....	۱۹۸
۲۳.	شیخ صنعان.....	۱۹۹
۲۳.	عاشق شدن دختر مصری به حضرت علی اکبر.....	۱۹۹
۲۵.	عاق والدین.....	۱۹۹
۲۶.	عباس دوس.....	۲۰۰
۲۷.	عروسی تاجماه.....	۲۰۰
۲۸.	عروسی رفتن حضرت زهرا.....	۲۰۰
۲۹.	عروسی کردن بهلول.....	۲۰۱
۳۰.	عروسی کردن پیرزن نودساله (عنوان هیچ ربطی به مضمون ندارد).....	۲۰۱
۳۱.	قهرمان قاتل.....	۲۰۱
۳۲.	کلثوم‌ننه.....	۲۰۳
۳۳.	ملک جمشید.....	۲۰۳
۳۴.	نجمای شیرازی.....	۲۰۵
۳۵.	نه تو نه این نه اون، و یمنعون الماعون.....	۲۰۶
۳۶.	نوش آفرین‌نامه.....	۲۰۶
	یادداشت‌ها.....	۲۰۹
	پیشینه پژوهش.....	۲۰۹
	منابع.....	۲۱۷

مقدمه

کتاب «زن در قصه‌های عامیانه» با هدف آشنایی بیشتر با نوع نگرش راویان قصه‌های قدیمی و تأثیر متقابل آن قصه‌ها بر واقعیت اجتماعی نوشته شده است.

ادبیات مکتب‌خانه‌ای، گزینشی از ادبیات عامیانه است و همچنان که نخستین کسی که به بررسی عالمانه ادبیات و هنر توده پرداخت متذکر می‌شود، هنر و ادبیات توده به منزله مصالح اولیه بهترین شاهکارهای بشر به‌شمار می‌آید به‌خصوص ادبیات، هنرهای زیبا و فلسفه مستقیماً از این سرچشمه سیراب شده و هنوز هم می‌شوند.

این کتاب سه ویژگی ممتاز دارد:

نخست آن که با توجه به پیچیدگی واقعیت اجتماعی، پژوهشگران تمامی رشته‌های علمی به‌خصوص علوم انسانی برای فهم و درک این واقعیت پیچیده می‌بایستی مجهز به بینش بین‌رشته‌ای باشند و اگر بخواهند از همان بینش قدیمی‌ای استفاده کنند که می‌گویند هر علمی موضوع خاص خود را دارد و باید از روش خاص خود تبعیت کند، دچار فقر علمی خواهند شد. وجود پژوهشگران جوان در علوم انسانی به‌خصوص تاریخ و ادبیات، بشارت‌دهنده این است که آنان به‌ضرورت مجهز شدن به بینش بین‌رشته‌ای آگاهند و خانم فهیمه حسین‌زاوه با اتخاذ بینش بین‌رشته‌ای نشان می‌دهد که چگونه ادبیات مکتب‌خانه‌ای منعکس‌کننده واقعیت اجتماعی نابرابری جنسیتی است.

دوم آن که با انتخاب ادبیات مکتب‌خانه‌ای به این مسئله توجه دارد که بنا بر گفته ماکس وبر (Max Weber) پدیده‌های اجتماعی ماهیت منحصر به فرد ندارند؛ آگاهی افزون بر

این‌که خود تحت تأثیر هستی اجتماعی است، می‌تواند بر هستی اجتماعی تأثیر هم بگذارد. ادبیات مکتب‌خانه‌ای که در مکتب‌خانه‌ها به‌عنوان نخستین مکان آموزش عمومی در اختیار عموم قرار می‌گرفت، منعکس‌کننده هستی اجتماعی است و شناخت آن، شناخت فرهنگ حاکم بر جامعه است؛ زیرا هر چه فرهنگی است اجتماعی است و هر چه اجتماعی است فرهنگی است.

بنا بر نظر دورکیم (Émile Durkheim) فرهنگ، مجموعه به‌هم‌پیوسته‌ای از شیوه‌های تفکر، احساس و عمل است که کم‌وبیش مشخص است و تعداد زیادی آن را فرامی‌گیرند. این دانش‌ها، آراء و تفکرات بین آن‌ها مشترک است و به دو شیوه عینی و نمادین به‌کار می‌رود تا این اشخاص را به جمع خاص و متمایزی بدل سازد. علاوه بر آن فرهنگ دربرگیرنده تمام اشکال بیان احساسات و مقرراتی است که بیانگر کنش‌های عینی قابل مشاهده‌اند. بنابراین فرهنگ، شامل تمامی فعالیت‌های بشری اعم از معرفتی، عاطفی و احساسی یا حسی حرکتی است. شیوه‌های تفکر و احساس و عمل می‌تواند کم‌وبیش رسمی شود و شکل خاصی به خود بگیرد مانند قوانین، شعائر، مراسم، تفکرات، شناخت علمی و فناوری، هنرها، آداب و رسوم و ...

هیچ خصوصیت فرهنگی در آغاز تولد در اندام زیستی انسان وجود ندارد و به‌طور زیستی یا ژنتیکی انتقال نمی‌یابد بلکه در جریان یادگیری، اخذ و درونی‌کردن است که انسان تربیت می‌شود یعنی روند اجتماعی‌شدن (جامعه‌پذیری).

خانم فهیمه حسین‌زاده با انتخاب موضوع تحقیق و اتخاذ روش و بینش بین‌رشته‌ای نشان می‌دهد که چگونه با تربیت، کودک و نوجوان از طریق قصه‌ها، فرهنگ نابرابری جنسیتی را می‌آموزند و درونی می‌کنند که نشان‌دهنده تأثیر متقابل روایت داستانی در تحکیم نابرابری‌های جنسیتی است.

ویژگی سوم این کتاب تعریف اصطلاحات فلسفی و فنی است که خواندن متن را برای خواننده‌های متنوع و متعدد که به رشته‌های علمی خاص تعلق دارند، آسان می‌کند. این ویژگی امروز یک ضرورت است زیرا به‌خاطر عدم آشنایی خوانندگان با رشته‌های علمی و

فهم مفاهیم مورد استفاده آن‌ها، تعریف و مشخص کردن این مفاهیم یک ضرورت علمی است. نویسندگان و محققان باید این مفاهیم را تعریف کنند تا خوانندگان به فهم مشترک و درد مشترک برسند.

این کتاب الگوی خوبی است برای کسانی که می‌خواهند در تحقیقات خود بینش بین‌رشته‌ای داشته باشند و محقق نشان می‌دهد که چگونه در نظام پدرسالار یعنی نظامی که نابرابری جنسیتی بر آن حاکم است، صفات واحد انسانی وقتی در مورد مردان به کار می‌رود مثبت و وقتی در مورد زنان استفاده می‌شود منفی است. با توجه به این که همه انسان‌ها خصوصیات مشترک دارند، برای توجیه این نابرابری، واژه‌های متفاوت «بی‌ارزش» و «باارزش» در مورد ویژگی‌های واحد مردان و زنان به کار می‌رود.

خواندن این کتاب را برای شناخت بهتر واقعیت اجتماعی توصیه می‌نماید تا جوانان، اعم از زن و مرد، بدانند که شرط تحقق یک جامعه سالم سرشار از آزادی و برابری، شناخت علمی واقعیت اجتماعی به برکت همکاری و همدلی است.

دکترهما زنجانی‌زاده

مردادماه ۱۴۰۰

پیش‌گفتار

سال ۱۳۹۴ که شروع به تحصیل در مقطع دکترا کردم، هم‌زمان بود با رویدادها و دگرگونی‌های بزرگی در زندگی‌ام؛ تغییر شهر و مکان زندگی، شیوه زندگی و راه و روشی که زن دیگری از من را به ظهور می‌رساند؛ زنی که گاه برای خودم هم غریب و ترسناک بود. تا آن زمان مطالعاتم در زمینه شعر و به‌ویژه شعر معاصر بود. اما آن دگرگونی‌ها مرا از شعر و دنیای خیال به داستان و دنیای واقعی‌اش سوق داد. شاید قصه‌های دیگران برای مدتی مرا از اندیشیدن به قصه دشوار خودم دور می‌کرد؛ مثل اسکارلت اوهارای بربادرفته می‌گفتم این قصه را که بخوانم بعد به مشکلات خودم می‌پردازم و با تصور دنیای رنگارنگ قهرمانان قصه به خواب می‌رفتم.

ضمن مطالعه داستان‌های معاصر از زنان و مردان نویسنده، متوجه تفاوت نوع نگرش و زبان داستان‌ها شدم و تحقیقاتم را درباره زبان و سبک داستان آغاز کردم. برای تحلیل یافته‌هایم لازم بود که اندکی با دانش‌های زبان‌شناسی، جامعه‌شناسی و روانشناسی آشنا بشوم. آن روزها بود که با نظریه زبان زنانه و سبک زنانه آشنا شدم ولی ویژگی‌هایی که این نظریه‌پردازان برای زبان زنان مطرح کرده بودند به نظرم زن‌ستیزانه آمد و موافق آن‌ها نبودم؛ این‌که بسامد قید و صفت، عبارات غیرصریح و مبهم، حجب و حیا، مقیدبودن به قواعد دستور زبان و استفاده بیشتر از کنایه و تعریض و ... در نوشتار زنان بیشتر است یا تعبیر و واژه‌ها را زنانه مردانه تقسیم‌بندی کردن، برایم غریب و غیرقابل قبول بود. بنابراین یک داستان از یک نویسنده زن و یک داستان از یک نویسنده مرد را با معیارهای مشخص دستوری و زبانی بررسی کردم و همین یک مورد، مثال نقض آن قوانین شد: غیر از جنسیت، مسائل اجتماعی و فرهنگی فراوانی در گزینش نوع خاصی از واژه‌ها، تعبیر و دستور زبان مؤثراند.

ریشه برخی از عقاید و تفکراتی که ذهن و زبان راویان معاصر را شکل می‌داد در گذشته بود؛ گذشته‌ای که هنوز زمزمه‌هایش بر زبان مردمان کهنسال کوچه و بازار جاری بود و نویسندگان معاصر خودآگاه یا ناخودآگاه از آن متأثر بودند. این سیر و سلوک مرا به قصه‌های عامیانه قاجار رساند. آن‌ها را خواندم و صدای زنان حرمسراها، شاهزادگان در بند و غفریته‌های جادوگر، همان صدایی بود که سال‌ها در سکوت منفعل زنانگی از دست‌رفته‌ام، از قعر ناخودآگاه تاریخی خویش، با لبانی مَهر و موم می‌شنیدم و دم نمی‌زدم. کابوس‌های شبانه‌ام، با آن جیغ‌های خفیف نامعلوم‌شان^۱، وقتی به پایان رسید که تصمیم گرفتم نه تنها صدای زنان قصه‌ها را بشنوم که صدای آنان بشوم و بگویم آنچه که امروز، در آستانه سال ۱۴۰۰ هجری شمسی، زنان را از بسیاری از حقوق طبیعی‌شان محروم می‌کند، ادامه همان تفکر محدود قاجاری است که وی را ملقب به القاب ضعیفه، اندرونی، حرم و کمینه می‌کرد. هرچند هرگاه سخن از پرداختن به مسائل زنان به میان می‌آید، آن را حاشیه، کلیشه و افراط تلقی می‌کنند اما تا زمانی که زن در جایگاه انسانی خویش برابر مرد بایستد، پرداختن به مسائل او واجب و لازم است.

این همان کتاب است؛ دستاورد دوره دکترای من و محصول پوست‌اندازی‌ام در زندگی دوباره است که با راهنمایی و مشاوره استادان گرانقدر و بزرگوaram آقای دکتر سیدمهدی زرقانی و خانم دکتر هما زنجانی‌زاده به سرانجام رسید. رهنمودهای مشفقانه ایشان را که راهگشای من در انجام این پژوهش بوده‌است، سپاس فراوان می‌گذارم. از آقای دکتر حسن ذوالفقاری که از ابتدای کار با تشویق و تأیید همراه بودند و نسخه‌های چاپی کتاب‌ها را در اختیارم گذاشتند سپاس گزارم. از استاد خردمندم آقای دکتر محمود فتوحی‌رودمبعنی که روش تحقیق و پژوهش را به من آموختند و با شکیبایی و سخاوتمندانه پاسخگویی پرسش‌هایم بوده‌اند سپاس گزارم.

۱. مثنی‌هایی که فحش یادش رفت/ جیغ‌های خفیف نامعلوم// من به جنسیتم بدهکارم/ پشت هم در مدار تکرارم... (قسمتی از يك شعر از نگارنده).

از آن جایی که قصه‌های بررسی شده در این کتاب، قصه‌های عامیانه و مردمی هستند، شاهد مثال‌ها، شامل متن و نگاره، برای بررسی دقیق علمی و دور از خطا عیناً آورده شده‌اند و پیشاپیش از خوانندگان عالم این متن جهت ناهنجار بودن برخی از آن‌ها پوزش می‌خواهم.

ساختار کتاب

این کتاب در هفت فصل به شرح زیر تنظیم شده است:

۱. فصل نخست مقدمه کتاب است که ضمن بیان مسأله و هدف و ضرورت پرداختن به آن، به بررسی انتقادی پیشینه مسأله پیش رو، شرح روش پژوهش، چارچوب‌ها و طرح پرسش‌ها می‌پردازد. سپس تعریف مختصری از اصطلاحات به کار رفته در این تحقیق آمده که شامل اصطلاحات ادبی و جامعه‌شناسی می‌شوند. این بخش برای آشنایی خوانندگان از رشته‌های مختلف مفید است و مطالعه این فصل راهنمای روشنگری برای خواندن این کتاب است.

۲. نقش اقتصادی زن در قصه‌ها: در این فصل ضمن بیان شمه‌ای از فعالیت‌های اندک اقتصادی زنان در عصر قاجار، به بازنمایی فعالیت اقتصادی زنان در قصه‌ها پرداخته‌ایم که در قالب نقش‌های هویت‌بخش دایه، دلاله، کنیز و مطرب در حد رفع نیاز و البته گاهی بنا بر شانس و اقبال تا مرز بی‌نیازی درآمدی را تحت عنوان اجر و پاداش برای خود حاصل می‌کنند؛ درآمدی که علاوه بر قدرت جزئی و گاه قابل توجه (قدرت برخی دایه‌ها) به دلیل نیاز به رفت و آمدهای پیاپی آنان را از آزادی نسبی برخوردار می‌سازد. هرچند در مقایسه با فعالیت‌های اقتصادی مردان، فعالیت اقتصادی زنان بسیار ناچیز، محدود و بی‌مقدار است.

۳. نقش سیاسی زن در قصه‌ها: در این بخش با میزان قدرت تصمیم‌گیری و چاره‌اندیشی‌های خردمندانه زنان در قصه‌ها آشنا می‌شوید که البته زنان جنسیتی آن را مکر می‌نامد و اغلب هم نکوهش می‌کند. اما می‌بینیم که مکر و فریب گاهی یک کنش و گاه هم یک واکنش است که زن برای حفظ چیزهای باارزشی از قبیل جان، مال، نام و آبرو و خانواده نشان می‌دهد و غالباً هم پیروز است.

۴. نقش حقوقی زن در قصه‌ها: این بخش را به نقش‌هایی اختصاص داده‌ایم که زن در نهاد خانواده می‌پذیرد: نقش مادری، فرزندی، همسری و خویشاوندی. ملاحظه خواهید کرد که زن در نقش مادر بیشتر غایب و منفعل است و دایه جایگزین وی شده‌است. رجحان فرزند دختر بر پسر، دختران را از بسیاری از حقوق طبیعی و اجتماعی خود محروم کرده‌است. همسر، دیگری و جنس دوم است؛ وی ابزاری است برای تولیدمثل و دفع غریزه جنسی مردانه در حرماً.

۵. نقش آموزشی زن در قصه‌ها: سهم آموزش زنان در عصر قاجار بسیار اندک و ناچیز بوده‌است. این امر در قصه‌ها هم نمود یافته‌است و فقط در تعداد بسیار معدودی از سواد زنان در حد نامه‌نگاری‌های عاشقانه سخن به میان آمده‌است که نشانگر تبعیض جنسیتی در آموزش است.

۶. نقش فرهنگی زن در قصه‌ها: در این بخش بیشتر به بررسی‌های زبانی پرداخته‌ایم که البته نشانه ذهنیت زن‌ستیز و مردمدار نظام روایتی قصه‌هاست؛ نامگذاری عناوین قصه، شخصیت‌های قصه، ترکیب‌های وصفی، تشبیهی و استعاری، ضرب‌المثل‌ها و کنایه‌ها، دشنام‌ها همه دال‌هایی هستند که مرکزیت آن‌ها زبان و ذهنیت جنسیت‌زده راویان قصه است.

۷. تحلیل نگاره‌های قصه‌ها: در این بخش با مراجعه به نسخه‌های چاپی قصه‌ها در زمان قاجار، از میان آن‌ها تعدادی را برگزیده‌ایم که حضور معنادارتری از زن را گزارش می‌کنند. حضور یا عدم حضور زن در نگاره‌ها، میزان حضور او، چگونگی حضورش از لحاظ جایگاه قرارگرفتن وی در تصویر، نوع پوشش و ظاهر از متغیرهایی هستند که می‌توانند از طریق تصویر، بُعد دیگری از نقش‌آفرینی زن در قصه را نشان دهند.

در پایان نتیجه این هفت بخش به‌طور خلاصه آمده‌است. همچنین در ضمیمه کتاب، خلاصه‌ای از قصه‌های پرکاربرد در استخراج نقش‌های چندگانه را برای آشنایی بیشتر و البته مقدماتی مخاطب با پیکره متنی پژوهش آورده‌ایم و خوانندگان علاقه‌مند به متن کامل قصه‌ها را به متن اصلی کتاب ادبیات مکتب‌خانه‌ای ایران ارجاع می‌دهیم.

مرحبا ای قصه‌گوی قصه‌نوش
ای تو خود هم باده هم باده‌نوش
قصه این‌جا بهره اهل حس است
زان‌که جانش از درک معنی مفلس است



مقدمه

هدف اصلی از تألیف این کتاب، آشنایی بیشتر با نوع نگرش راویان قصه‌های قدیمی نسبت به زن است؛ مواردی که آن‌قدر عادی‌سازی شده‌اند که کمتر ناهنجار قلمداد می‌شوند. غیبت و حضور زن در قصه‌ها و نوع هویت و شخصیتی که راوی به وی می‌دهد، بر دریافت مفاهیم ذهنی حول محور زن به‌طور ناخودآگاه اثر می‌گذارد و نگرش و در پی آن رفتار او را شکل می‌دهد. در این کتاب برآنیم تا با تحلیلی جامعه‌شناختی، به سراغ بررسی نقش زن در قصه‌های قاجاری برویم و با تأکید بر تفاوت‌های جنسیتی میان تصویرسازی از مرد و زن در این قصه‌ها، نشان بدهیم که تأثیر تربیتی و آموزشی قصه در بازتاب واقعیت اجتماعی یک دوره چقدر است. امیدوارم روزی برسد که روایت‌ها فارغ از جنسیت‌گرایی بازگو بشوند و زن جایگاه واقعی و انسانی خویش را به‌دست بیاورد.

عصر قاجار (۱۲۱۰-۱۳۴۴ ه.ق.)^۱ یکی از مهم‌ترین دوره‌های تاریخ جامعه ایران است؛ دوره‌ای که به سبب گسترش مناسبات اجتماعی و فرهنگی با غرب، تغییرات زیادی را هم در پی داشت. البته این تحولات و تغییرات ادامه تحولات علمی دنیای مدرن و انقلاب صنعتی در غرب و رویارویی و دادوستدهای ایران با کشورهای دیگر در سده‌های دوازدهم و سیزدهم هجری قمری و دوره پرشتاب و متمایز قرن نوزدهم بود. ظهور آثار تجدد به عنوان یک متغیر جهانی و بومی در این دوره، در پیدایش آگاهی، هوشیاری و دگرگونی انسان‌ها و نهادهای اجتماعی بسیار مؤثر بود چنان‌که برخی این دوران را دوران بروز تردد و جولان اندیشه می‌دانند. به بیان آدمیت، زیربنای «فکر آزادی و مساوات» که از شرایط اصلی ترقی و تکامل فرد و اجتماع است، در اواخر دوران استبدادی سلطنت ناصرالدین‌شاه قاجار ریخته شده است (آدمیت، ۱۳۴۰: ۱۱). از تحولات مهم این دوره (به ویژه سه دهه آخر) این بود که جامعه ایران به تدریج از چارچوب سنت‌های ایلی و عشیره‌ای بیرون آمد و با تمدن نو آشنا شد.

دامنه این تغییرات و دگرگونی‌ها، زندگی زنان^۲ را هم در برگرفت و نقطه عطف و بزرگ‌نگاه مهمی در تاریخ زندگی زنان ایرانی ایجاد کرد که سرآغاز فصل جدیدی برای آنان شد. تلاش زنان برای به رسمیت شناخته شدن و مطالبه حقوق برابر در این دوره که قلم بیشتر در دست مردان بوده و زنان کمتر مطرح شده‌اند، قابل توجه و بررسی است. در پی افزایش روابط با فرنگ، دیدگاه‌های متفاوتی درباره زن و زنانگی (در پیوند با زن فرنگی) شکل گرفت و مقوله‌هایی همچون آموزش، حجاب، حق رأی و منع آزار زنان مطرح شد. این تغییرات به یکباره به وجود نیامد و تا تأثیر آن در بطن فرهنگ عمومی جامعه، زمان و زحمات زیادی را بر کرده مردان و زنان آگاه و مطالبه‌گر گذاشت. تغییرات نظام فرهنگی، امکاناتی را برای بهره‌وری طبقه مرفه جامعه فراهم آورد؛ درحالی‌که بیشتر مردم (تقریباً ۹۷ درصد) هنوز از

۱. از سلطنت آغامحمدخان تا برکناری احمدشاه و آغاز سلطنت پهلوی.

۲. در هر جای این کتاب منظور از کاربرد واژه «زن» بعد جنسیتی به مفهوم اجتماعی آن است و «دختر» و «پیرزن» را هم در برمی‌گیرد. در این باره در قسمت مفاهیم اجتماعی و تعریف جنس و جنسیت توضیح داده‌ام.

آموزش‌های ابتدایی و سنتی محروم بودند یا ضرورت آن را درک نکرده بودند. در میان طبقه عوام و درصد زیادی از طبقه خواص، ادبیات، آن هم ادبیات مکتب‌خانه‌ای که یکی از عناصر سنتی تربیتی و اجتماعی کردن بود، تأثیر عمیقی بر ذهن، زبان و کنش افراد داشته است؛ تأثیری که بین دو متغیر ادبیات و ساختار نظام اجتماعی متقابل و دوسویه است؛ جامعه با ارائه دیدگاه‌های تربیتی خود و ادبیات عامیانه با ایجاد و تبلیغ الگوهای تربیتی در حفظ یا تغییر وضعیت موجود عمل می‌کنند.

ادبیات مکتب‌خانه‌ای، گزینشی از ادبیات عامیانه بود که در مکتب‌خانه‌ها، نخستین مکان آموزش ابتدایی عمومی، خوانده می‌شد. قصه‌های منظوم و منثور کوتاه و بلند، دیوان شعر شاعران کلاسیک و کتاب‌های اخلاقی و حکمی از مفاد آموزشی مکتب‌خانه‌ها بودند. این متون به عنوان یکی از ابزار اجتماعی کردن (تربیت) در تکوین شخصیت کودکان و نوجوانان که زنان و مردان امروز هستند، اهمیت دارند.

در این کتاب در پی پاسخ به این سوال که زن در ادبیات عامیانه دوره قاجار، چگونه بازنمایی شده است، برآیم تا بازتاب نقش زن را از زوایای مختلف اجتماعی و فرهنگی (اقتصادی، سیاسی، حقوقی و آموزشی) در هفتاد قصه عامیانه منظوم و منثور که در دوره قاجار به چاپ رسیده‌اند، استخراج و مطالعه کنیم و ببینیم قصه‌های مکتب‌خانه‌ای چقدر واقعیت موجود در عصر قاجار را (درباره زن) بازنمایی کرده‌اند و در ذهنیت راویان این قصه‌ها، کدامیک از ابعاد اجتماعی فرهنگی نقش زن پررنگ‌تر بوده است.

ضرورت این پژوهش از سه منظر قابل بررسی است: نخست پیکره متنی منتخب یعنی ادبیات مکتب‌خانه‌ای است؛ سپس زمان تولید و بازتولید متون مورد نظر است و در نهایت پرداختن به مسئله زن در این متون است.

ادبیات داستانی عامه شامل روایت‌های تخیلی، سرگرم‌کننده و آموزنده می‌شود که در قالب نظم و نثر به صورت مکتوب یا منثور در کنار ادب رسمی در میان مردم رواج دارد. داستان‌های عامیانه مانند پنجره‌ای هستند که به دنیای اجتماعی گسترده‌ای باز می‌شوند. آن‌ها با واقعیت‌های دوران تاریخی خود گره می‌خورند و با گذر زمان به دوره‌های بعد منتقل

می‌شوند و به تناسب زمان بازآفرینی می‌شوند. ادبیات عامیانه یک پدیده زنده است که در خلاء به وجود نمی‌آید؛ از واقعیت‌های اجتماعی زمان خود تأثیر می‌گیرد و بر آن‌ها تأثیر می‌گذارد. از آن‌جا که قصه‌های ساده و ابتدایی اقوام مختلف سیر حقیقی زندگی مردم و باطن بی‌تکلف آنان را روشن می‌سازد و به سبب نثر روان و ساده، گیرایی طبیعی و زیبا دارد، می‌تواند اساس تربیت اصیل ایرانی قرار گیرد تا گوش طفل با حدیث مشقت‌ها و ناهمواری‌ها و همچنین لطائف و زیبایی‌ها آشنا شود (انجوی شیرازی، ۱۳۵۲: ۱۰). اهمیت تأثیر تربیتی و الگوپذیری از قصه‌ها و افسانه‌ها مقوله‌ای جهانی است:

«افسانه‌های پریان اغلب با هدف ترغیب زنان برای تبعیت از نقش‌های اجتماعی به کار می‌روند. بچه‌ها الگوهای رفتاری و معاشرتی، نظام ارزشی و نحوه پیش‌بینی عواقب کنش‌ها یا شرایط خاص را از قصه‌ها می‌آموزند. این داستان‌ها تصویری از نقش‌های جنسی، رفتاری و روانشناسی و نحوه پیش‌بینی پیامدها یا سرنوشت را بر اساس جنسیت ارائه می‌دهند که به دلیل علاقه شدید کودکان به پایان قصه اهمیت دارد... داستان‌های پریان در پذیرش کودکان در جامعه و نقش آن‌ها در جامعه مسئولیت دارند (الساندرا، ۱۳۹۹: ۲۲۵-۲۲۲).

ادبیات عامیانه به عنوان یک واقعیت فرهنگی و اجتماعی، با گسترده‌گی فراوان در بعد زمانی و مکانی، تأثیرات غیرقابل انکاری بر ادبیات کلاسیک و معاصر داشته است و دارد. اقبال نویسندگان معاصر به ادبیات عامیانه و فرهنگ مردم در راستای ایجاد پیوند عاطفی میان نسل‌ها و ایجاد هم‌گرایی میان دین و اساطیر است. استفاده از افکار و باورهای عامیانه در متن معاصر، ضمن این‌که بر صمیمیت و باورپذیری متن می‌افزاید، با انعکاس رفتار و کردارهای آشنا سبب باورپذیری بیشتر، کم کردن فاصله خواننده با متن و ایجاد حس همزادپنداری در مخاطب می‌شود. گاهی هم نویسنده با بیان یک باور و خرافه عامیانه، آن را بزرگ‌نمایی کرده و به نقد می‌کشد. کم کردن فاصله میان ادب توده و ادب رسمی، داستان را ملموس، قابل فهم و پرمخاطب می‌کند (شریلو و فرزاد، ۱۳۹۵: ۲۲-۱). ادبیات مکتب‌خانه‌ای بخشی از ادبیات عامیانه و یکی از حلقه‌های سیر آموزش در ایران است که به سبب تکرار و تأکید در یک دوره خاص، بر ذهن و زبان و تفکر و رفتار مکتب‌رفته‌ها تأثیر

گذاشته است و مرجع مهمی برای مطالعات اجتماعی این دوره به شمار می‌رود. اطلاعات تازه‌ای می‌توان از این قصه‌ها درباره زندگی و قواعد اجتماعی و آداب و رسوم و فرهنگ خاص هر منطقه و سایر مسائل جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی آن جامعه استخراج کرد. ادبیات عامیانه دوره قاجار چه از نظر حجم و کمیت و تنوع و چه از نظر عناوین، تأثیر شگرفی بر دیدگاه‌های عامه مردم بر جای گذاشت آن هم درست در دوره‌ای که بلافاصله به عصر تجدد منتهی شد.

همان‌طور که بیان شد عصر قاجار، نقطه آغاز تغییر به سوی افق‌های تازه است؛ گفتمان‌هایی چون فکر تجدد و بازاندیشی، مطالبه آزادی، مساوات و برابری، فرنگ‌ستایی و فرنگ‌ستیزی، میل به کسب آگاهی و ورود به جرگه تمدن جدید از دوره قاجار آغاز شد و تا اکنون ادامه دارد. مطالبه حقوقی زنان هم در این دوره آغاز شد؛ ولی نگرش و ذهنیت جنسیتی راه رسیدن زن را به آرمان برابری دشوار کرده است. بررسی ذهنیت و زبان در آثار متأخر داستانی ما را به رد پای این اندیشه‌ها در دوره قاجار می‌رساند. چه بسا ریشه‌های بسیاری از تفکرات جنسیتی را بتوان در عصر قاجار پی گرفت؛ عصری که هنوز نشانه‌های فرهنگی آن در آثار مختلف، آشکار و در دسترس است.

نیمی از جمعیت جامعه را زنان تشکیل می‌دهند؛ بنابراین بررسی و پژوهش درباره مسائل زنان اهمیت بسزایی دارد. بررسی و تحلیل نقش زن در ادبیات مکتب‌خانه‌ای دوره قاجار می‌تواند راه‌گشای بسیاری از مسائلی باشد که در این روزگار هم در ادبیات و هم در نظام فرهنگی و اجتماعی وجود دارد و دلایل نوع نگرش خاص به زن را در جامعه ایران مشخص می‌کند؛ نگرشی که با رسوب در ذهنیت فرهنگ ایرانی، تأثیرات عمیق و همه‌جانبه‌ای در تمامی ابعاد اجتماعی داشته است و دارد.

طبق نظر پژوهشگران فمینیست، پژوهش فمینیستی به تحلیل انتقادی روابط جنسیتی در پژوهش و نظریه و پذیرش وجوه اخلاقی و سیاسی پژوهش و به رسمیت‌شناختن نیاز به تغییر اجتماعی برای بهبود زندگی زنان توجه خاصی دارد. در این بافت، جنسیت یک مقوله ساختاری یا برساخت اجتماعی است. هدف از نگرش‌های فمینیستی، نگرستن به جهان از

چشم‌اندازی زنانه است. فمینیست‌ها معتقدند که تمام تحقیقات دربارهٔ مردان انجام شده، نظریه‌پردازی‌ها هم برای آنان بوده، یافته‌های آنان برای زنان تعمیم یافته و حوزه‌ها و مباحث مورد نظر زنان نادیده گرفته شده‌است. تصویری که از زنان در نظام اجتماعی وجود دارد، یک تصویر تحریف‌شده و حاکی از پیش‌داوری‌های جنسیتی است. در نتیجه تحقیقاتی که در آن‌ها بیش از نیمی از جامعهٔ بشری نادیده انگاشته می‌شوند، قابل‌پذیرش و تعمیم نیستند. محرومیت زنان از مواضع قدرت و تولید دانش در توفیق ایدئولوژی مردانه مؤثر بوده‌است؛ بنابراین لزوم پدیدآمدن نظریه‌های جامع فمینیستی و فراهم کردن دانشی از چشم‌انداز زنان و مردان هر دو ضرورت دارد. تولید دانش از دیدگاه زنان، تصویری به‌دست می‌دهد که نسبت به تصویری که تا کنون جامعه‌شناسی مردم‌محور رایج عرضه کرده‌است، کم‌تر تحریف شده‌است (آبوت و والاس، ۱۳۹۳: ۲۵). پژوهش فمینیستی فرضیات اجتماعی دربارهٔ طبیعت زن، جنسیت و تفاوت‌های میان زنان و مردان را نمی‌پذیرد. مشارکت زنان در تولید و آموزش علم به تغییر موقعیت و منزلت زنان در جامعه و دانشگاه می‌انجامد. پژوهش فمینیستی سخن گفتن برای خودمان است؛ گفتمان با خود است؛ یافتن صدای خود است؛ خلق دانش برای خود است. زنان هم می‌توانند دیدگاه‌های خاصی در پژوهش مطرح کنند. پژوهش فمینیستی از وجدان فمینیست برمی‌خیزد و برای کمک به زنان و در راستای منافع آنان طراحی می‌شود (اعزازی، ۱۳۹۳: ۲۸۹-۳۲۳). پژوهشگران فمینیست از طریق ایجاد یک برنامهٔ پژوهشی برای مطالعهٔ جنسیت و روابط جنسیتی با بررسی دلایل نابرابری و ارائهٔ راهکارهای کاربردی، می‌توانند به بازاندیشی در روش‌های پژوهش در حوزه‌های مختلف کمک کنند. این ضرورت‌ها بحثی را در جامعه‌شناسی تحت عنوان «جامعه‌شناسی جنسیت» مطرح می‌کند؛ مبحثی که ما نظریه‌ها و پژوهش‌های آن را در این پژوهش برابر چشم داشته‌ایم. ما می‌خواهیم زن ضعیفهٔ مستورهٔ دورهٔ قاجار را از نگاه راویان و مخاطبان قصه‌های عامیانهٔ این دوره، که به نظر می‌رسد تحت نظارت گفتمانی مردسالار نوشته شده‌اند، بهتر بشناسیم و بشناسانیم تا با نشان دادن ابعاد جنسیتی حضور و غیبت زن در قصه‌ها، زنان را نسبت به ایجاد و حفظ جایگاه مطلوب اجتماعی و فرهنگی برای خود حساس و آگاه کنیم.

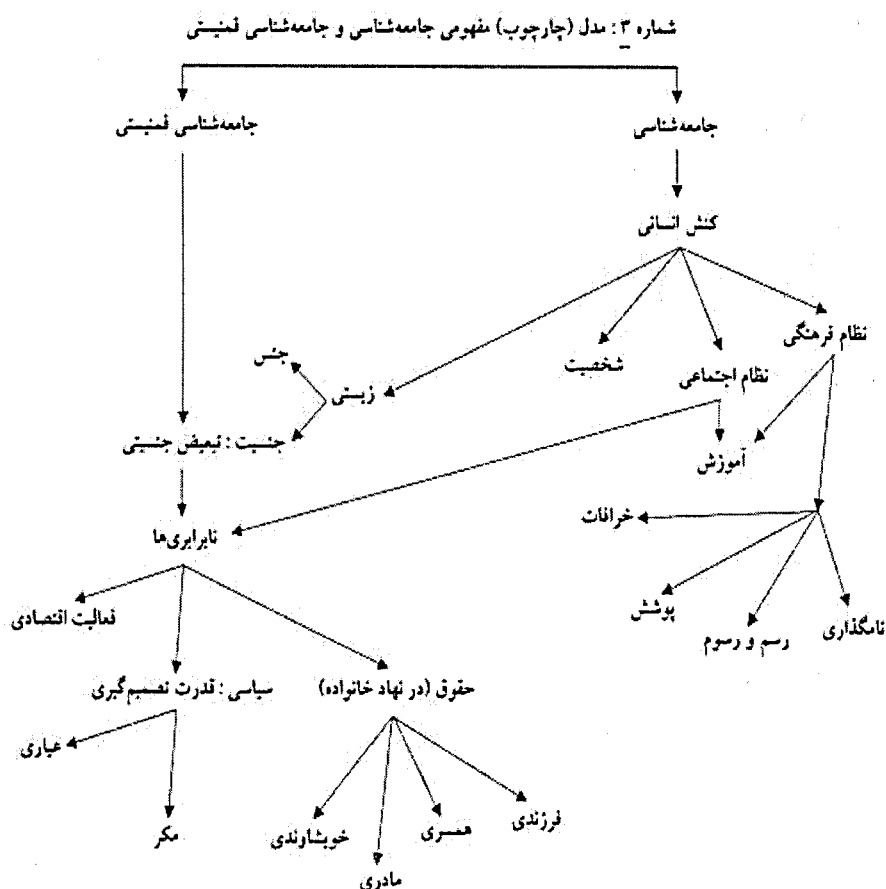
برای این پژوهش از بین قصه‌های عامیانه فارسی که در دوره قاجار، با ایجاد چاپخانه و رواج چاپ سنگی به‌طور گسترده‌ای در میان مردم رواج یافت، آن قصه‌هایی را برگزیده‌ایم که در کتاب ادبیات مکتب‌خانه‌ای ایران، به همت «حسن ذوالفقاری» و «محبوبه حیدری» جمع‌آوری شده‌اند. این کتاب حاوی هفتاد متن منظوم و منثور است که به سبب فراگیری بودن و اهمیتشان، در مکتب‌خانه‌ها خوانده می‌شدند و سنگ‌بنای ادبیات مکتب‌خانه‌ای نیز به‌شمار می‌آیند (محمدی و قاینی، ۱۳۸۲: ج ۳: ۵۳). نام بسیاری از این قصه‌ها در گزارش احوال مکتب‌رفته‌های این دوره آمده‌است. تصویرگری کتاب‌ها مطابق با ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی قاجار است و تاریخ چاپ سنگی آن‌ها بین سال‌های ۱۲۵۷-۱۳۶۴ ق. است. تصحیح‌های جدیدی از متون این مجموعه منتشر شده‌است اما مبنای کار من همین متون مکتب‌خانه‌ای با تمام ویژگی‌های آن‌ها است. همچنین برخی از این متون دارای نسخه‌های متعدد خطی قجری هستند که ممکن است متن آن‌ها مفصل‌تر از متن چاپ سنگی باشد، اما به دلیل گستردگی پیکره متنی، بررسی نسخه‌های متعدد قصه‌ها در زمان محدود این پژوهش نمی‌گنجد و با در نظر داشتن این دشواری، بررسی‌های ما محدود به کتاب مذکور است. مقایسه میان نسخه‌های دیگر هر متن با چاپ سنگی آن، می‌تواند جزو تحقیقات بعدی نگارنده یا دیگران باشد.

غیر از این قصه‌ها چند قصه دیگر هم در دوره قاجار چاپ شده‌اند؛ امیرارسلان نامدار، هزارویک‌شب، بدیع‌الملک و بدیع‌الجمال و دلیله محتاله که به‌خاطر حجم زیاد آن‌ها (به‌خصوص هزارویک‌شب) از بررسی آن‌ها چشم‌پوشی می‌کنم. البته ناگفته نماند که برخی از قصه‌های موجود در کتاب ادبیات مکتب‌خانه‌ای ایران با قصه‌های هزارویک‌شب مشترک‌اند و بعضی هم فقط در نوع روایت متفاوت‌اند و بن‌مایه‌های یکسانی دارند؛ ولی این پژوهش مدعی تعمیم یافته‌ها به متون دیگر نیست.

در این کتاب برای جلوگیری از تکرار بیان پیکره متنی و همچنین نمایش دیداری فراوانی نقش‌های زن در قصه‌ها، برای ارجاع داخل متنی از نام خود قصه استفاده کرده‌ایم: (نام قصه: شماره صفحه).

چارچوب این پژوهش تلفیقی از مفاهیم ادبی و جامعه‌شناسی است. روش این پژوهش کیفی است. مدل تحقیق مفهومی و متضمن سؤالات است. فن مورد استفاده برای جمع‌آوری اطلاعات، تحلیل محتوا است. برای تحلیل داده‌ها از مفهوم بازنمایی و نقد و تحلیل متن در ادبیات استفاده کرده‌ایم.

همچنین در نقد و تحلیل مفاهیم و نظریه‌های جامعه‌شناختی به‌ویژه نظریه‌های فمینیسمی مد نظر بوده است. درواقع ما از نظریه‌ها به‌مثابه ابزار پژوهش در نقد و تحلیل استفاده کرده‌ام و سپس بر اساس پیشینه، مطالعات، مسائل و مواد تحقیق و همچنین متناسب با فضای جامعه در قصه‌های مورد تحقیق و واقعیت‌های اجتماعی و تاریخی و فرهنگی موجود، یک مدل تحقیق طراحی کرده و پژوهش را بر اساس آن پیش برده‌ایم. در بخش تحلیل جامعه‌شناختی این پژوهش از نظریه نظام اجتماعی تالکوت پارسنز^۱ و خرده‌نظام‌های آن استفاده کرده‌ایم. بر اساس این نظریه، نظام اجتماعی به‌عنوان یک خرده سیستم متضمن چهار خرده سیستم اقتصادی، سیاسی، حقوقی و آموزشی است. فصل‌بندی این رساله و تقسیم‌بندی نقش‌ها بر اساس این نظریه صورت گرفته است. با این توضیح که در چهار فصل نخست پس از مقدمه، به نقش‌های اقتصادی، سیاسی، حقوقی (صرفاً نقش و حقوق زن در نهاد خانواده) و آموزشی پرداخته‌ایم. نظام آموزش پلی است که نظام اجتماعی را به نظام فرهنگی پیوند می‌دهد. نقش فرهنگی زن را در فصل پنجم مطرح کرده‌ایم. و درنهایت هم فصلی را به تحلیل نگاره‌های نسخه‌های چاپی کتاب‌ها اختصاص داده‌ایم. نمودار زیر مدل مفهومی این کتاب برای استفاده از مفاهیم جامعه‌شناسی در تحلیل و نقد قصه‌هاست.



هنگامی که قرار است نقش اجتماعی فرهنگی زن را در قصه‌های عامیانه بررسی کنیم، عوامل زیادی در این بررسی مؤثراند. قصه‌های عامیانه این ویژگی را دارند که در طول زمان و متناسب با مکان و فرهنگ و قومیت و باورها تغییر می‌کنند. این تغییرات می‌تواند در عنوان قصه، عنوان و نام و القاب شخصیت‌ها، گفت‌وگوی شخصیت‌ها، تصاویر، تعابیر، توصیف‌ها، کنایه‌ها و استعاره‌ها و ... روی دهد. از سویی خود محتوای قصه در روند شکل‌گیری شخصیت‌ها و نقش‌هایی که می‌پذیرند مؤثر است. مثلاً در قصه‌های عیاری عدم حضور زنان طبیعی به نظر می‌رسد و این که یک سرِ قهرمان یک داستان عاشقانه زن باشد هم دور از ذهن نیست؛ بنابراین اگر بخواهیم حضور فعال زنان در عشق و انتخاب همسر را در